



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه عالی نواب

پایان نامه سطح سه

رشته تخصصی تبلیغ

عنوان:

مصادیق احیای امر اهل بیت علیهم السلام با توجه به روایت امام
رضا علیه السلام

استاد راهنما: حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباس فرازی نیا

استاد مشاور: حجت الاسلام والمسلمین مهدی شریعتی تبار

نگارش:

سید مهدی جهان مهین

سال تحصیلی: 1398-1399

اللَّهُمَّ احْمِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ

تقدیم به:

این نوشتار را از اعماق وجودم تقدیم می کنم به محضر امامی که اگر نبود نه از دین چیزی باقی می ماند و نه از اسلام، تا چه رسد که کتاب ها نوشته شود، و او کسی نیست جز کشته اشک ها و ذبیح از قفا حضرت سید الشهدا (صلوات الله علیه)، به امید روزی که صدای منتقم او از کنار کعبه در آینده ای نه چندان دور شنیده شود.

تشکر و قدر دانی

تقدیر و تشکر فراوانی از پدر و مادر عزیزم دارم که با تربیت دینی صحیح بنده را در چنین راه مهم و مقدّسی قرار داده اند و همچنین از همسر عزیزم کمال تشکر را دارم که با فراهم نمودن زندگی سالم همراه با آسایش موقعیتی برای من فراهم نمود تا در کمال آسایش این نوشته را تکمیل کنم.

و هم چنین تقدیر و تشکر فراوانی از اساتید معظم خودم دارم که با رهنمودهای ایشان توانستم هدفی مشخص برای خودم ترسیم کنم، به ویژه حجت الاسلام دکتر فرازی نیا که با راهنمایی های مهربانانه، باعث تکمیل این نوشتار شدند و استاد مشاور بزرگوار حجت الاسلام دکتر شریعتی تبار که از مشورت دادن در امور لازم دریغ نوزیدند.

چکیده

مصادیقی که باعث زنده شدن امر اهل بیت (علیهم السلام) می شود، در احادیث معصومین (علیهم السلام) وارد شده است، که با بررسی مجموعی این احادیث می توان به این جمع بندی رسید که، فراگیری علوم اسلامی و آموزش آن به دیگران و گفتگو و بحث در مورد امامت و ولایت ایشان از مهم ترین مصادیق احیاء امر می باشد، گرچه برگزاری مجالس یا بود ایشان چه در شادی و عزاداری، که این مراسمات می تواند در دو قالب خواندن حدیث و بیان فضایل ایشان یا سرودن و خواندن اشعاری در مدح و مصائب معصومین (علیهم السلام) باشد و توجه دادن جامعه به بحث مهدویت و ظهور منجی نیز جزو همین مصادیق می باشد.

محاسن و زیبایی های کلام معصومین (علیهم السلام) نیز در صورتی آشکار می شود که این علوم و معارف بین مردم ترویج پیدا کند و جامعه به آن جامه عمل بپوشانند، که در این صورت نه تنها ترغیب به فراگیری آن خواهند داشت بلکه در این امر بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت. همانطور که مصادیقی برای احیای امر وجود دارد، با بررسی احادیث، مصادیقی نیز بر ائمه و از بین بردن امر معصومین (علیهم السلام) نیز وجود دارد، مثل تقیّه نکردن و افشای اسرار ایشان.

کلمات کلیدی (کلید واژه ها): مصادیق احیاء، امر اهل بیت (علیهم السلام)، محاسن

کلام، تعلیم، تعلّم.

فهرست مطالب

مقدمه	
بخش اول:	
کلیات و مفاهیم	
فصل اول: کلیات	
پرسش های اصلی	
پرسش های فرعی	
فرضیه ها	
ضرورت تحقیق	
پیشینه تحقیق	
روش تحقیق	
امتیازات تحقیق	
فصل دوم: مفاهیم	
مبحث اول: واژگان کلیدی تحقیق	
گفتار اول: مصادیق	
گفتار دوم: عبد	
گفتار سوم: مفهوم امر	
گفتار چهارم: مفهوم اِحیاء	
گفتار پنجم: مفهوم اهل بیت (علیهم السلام)	
فصل دوم: مصدر شناسی حدیث	
مبحث اول: بررسی سندی حدیث	
مبحث دوم: بررسی دلالی حدیث	
بخش دوم: نقش باور به امامت و	
محاسن کلام اهل بیت (علیه السلام)	
بخش دوم: نقش باور به امامت و محاسن کلام اهل بیت (علیه السلام)	

فصل اول: بُعد فردی

مبحث اول: صفت تقوا

گفتار اول: تقوا چیست؟

گفتار دوم: سفارش به تقوا

گفتار سوم: تقوا، بهترین توشه

گفتار چهارم: آثار و فواید تقوا

مبحث دوم: صفت ورع

گفتار اول: تعریف ورع (پارسایی)

گفتار دوم: سفارش معصومین (علیهم السلام) به ورع و پارسایی

گفتار سوم: شیعیان واقعی با ورع ترین مردمند

گفتار چهارم: آثار و فواید ورع

فصل دوم: بُعد خانوادگی

مبحث اول: نیکی به پدر و مادر

گفتار اول: حقوق والدین از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)

گفتار دوم: تفسیر آیات نیکی بر والدین از قول امام صادق (علیه السلام)

گفتار سوم: حق پدر بر فرزند

گفتار چهارم: سفارش به احسان بیشتر بر مادر

گفتار پنجم: ثواب نگاه محبت آمیز به والدین

گفتار ششم: وجوب نیکی بر والدین غیر مسلمان خود و تأثیر آن

گفتار هفتم: نیکی به پدر و مادر در زمان حیات و ممات آنها

گفتار هشتم: زود فرا رسیدن عقوبت ناسپاسی والدین

مبحث دوم: تعامل نیکو با خویشاوندان

گفتار اول: صله‌ی رحم و پیوند با فامیل

گفتار دوم: تشییع جنازه‌های آنها

گفتار سوم: عیادت از بیماران آنها

گفتار چهارم: ادای حقوق فامیل.....

فصل سوم: بُعد اجتماعی.....

مبحث اول: رفتار پسندیده با همسایگانشان.....

گفتار اول: شیعه، نسبت به همسایگان مسئول است.....

گفتار دوم: شیعه مایه برکت برای همسایگان است.....

گفتار سوم: شیعه با همسایگان خوش رفتار است.....

گفتار چهارم: حق همسایگان در سخن امام سجاد (علیه السلام).....

مبحث دوم: تواضع و فروتنی.....

گفتار اول: تواضع در برابر خدا.....

گفتار دوم: تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدمی حاصل شود.....

گفتار سوم: تواضع در برابر برادر دینی.....

گفتار چهارم: تواضع دانشمند و دانش آموز بر یکدیگر.....

گفتار پنجم: تواضع در خوراک و در نحوه خوردن آن.....

مبحث سوم: حلم و بردباری.....

گفتار اول: معنای حلم و بردباری.....

گفتار دوم: سیره معصومین در بردباری.....

گفتار سوم: سفارش به حلم و بردباری.....

گفتار چهارم: فواید و نتایج حلم و بردباری.....

بخش سوم: بایدها و نبایدهای.....

مصادیق احیای امر اهل بیت (علیهم السلام).....

فصل اول: مصادیق احیای امر اهل بیت (علیهم السلام).....

مبحث اول: اصل مهم در احیای امر اهل بیت (علیهم السلام).....

مبحث دوم: مصادیق احیای امر اهل بیت (علیهم السلام).....

گفتار اول: مصداق پایه.....

گفتار دوم: تعلّم و فراگیری علوم اسلامی.....

..... گفتار سوم: تعلیم و آموزش دادن علوم اسلامی

..... گفتار چهارم: مجالس یادبود ائمه معصومین (علیهم السلام)

..... گفتار پنجم: توجه دادن مردم به ظهور و فرج منجی بشریت

..... گفتار ششم: ترویج و تکثیر نسل شیعه

..... فصل دوم: مصداق ضد احیای امر اهل بیت (علیهم السلام)

..... مبحث اول: تقیه

..... گفتار اول: دلیل قرآنی

..... گفتار دوم: دلیل روایی

..... مبحث دوم: کتمان سرّ

..... مبحث سوم: حکمت تقیه و کتمان سرّ

..... نتیجه گیری

..... کتابنامه

مقدمه

دین مبین اسلام از زمانی که معرفی شده در بین مردم، توسط نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) دارای برنامه های متنوع و مختلفی برای انسان ها بوده است، که در همه زمینه ها توانسته جوابگوی آن ها باشد، که قرآن مجید نیز بر این مطلب اشاره کرده است « لا رَطْبٍ وَ لا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ »^۱ (تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتاب آشکار هست) البته باید توجه داشت قرآن مجید تنها مصدر برای بیان سعادت انسان ها نمی باشد، بلکه با توجه به نصّ وارده از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که فرمودند:

« همانا من بین شما دو چیز را قرار می دهم، که اگر به آن ها أخذ کنید هرگز گمراه نمی شوید، ۱) کتاب خداوند (۲) اهل بیت (علیهم السلام) من، ای مردم گوش کنید و به تحقیق من تبلیغ کردم، همانا شما در روز قیامت بر حوض من وارد می شوید، و من از شما در مورد حق قرآن و عترتم سؤال می پرسم، از آن ها جلوتر نروید که هلاک می شوید، و به آن ها یاد ندهید چرا که از

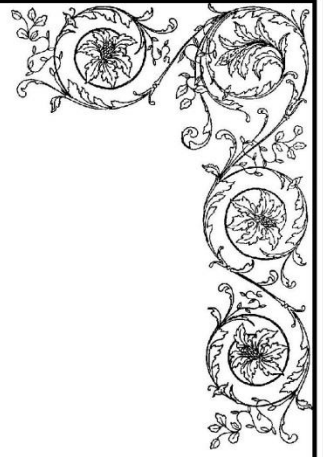
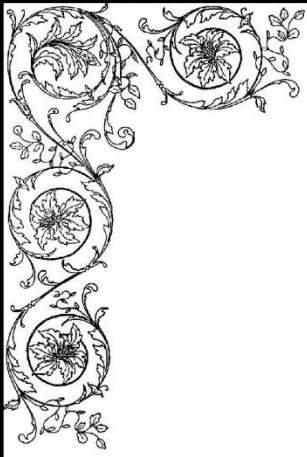
^۱ انعام / ۵۹

شما دانایان می‌باشند» ۲ اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نیز جایگاهی برای مصدر و منبع بودن دارند، که با رجوع به کلام و تفسیر ایشان موجبات سعادت را باید آخذ کرد، در کلام معصومین (علیهم السلام) دستورات فراوانی در همه زمین‌ها وارد شده است، ولی در بین احادیث وارد شده از ایشان، احادیثی است که شیعیان را ترغیب می‌کند که (امر اهل بیت را زنده نگه دارند) ۳، زیرا با زنده نگه داشتن امرشان سعادت انسان‌ها نیز تضمین خواهد شد، لذا در این نوشتار بر آن هستیم که با بررسی مجموع احادیث این باب به مصادیق احیای امر ایشان دست پیدا کنیم، و با به کار بستن و ترویج آن بتوان محاسن کلام معصومین (علیهم السلام) را نیز به مرحله ظهور رساند.

۲ (قال النبی (صلی الله علیه و آله): إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أُمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا - كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلُ بَيْتِي عِزَّتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَ قَدْ بَلَغْتُ إِلَيْكُمْ سِتْرِي عَلَى الْحَوْضِ فَاسْأَلْكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِكُوا وَ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ).

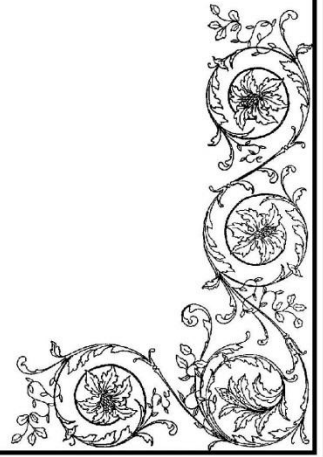
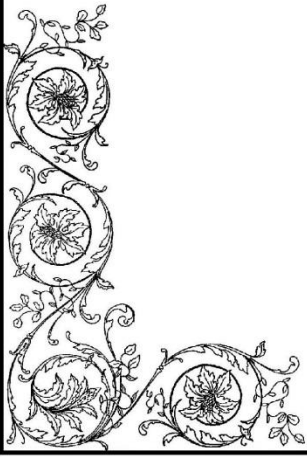
کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *التکافی* (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۲۹۴

۳ (رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا). کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *التکافی* (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۱۷۶



بخش اول:

کلیات و مفاهیم



فصل اول: کلیات

ساختار این تحقیق به این شکل می باشد:

دارای سه بخش کلی، بخش اول کلیات و مفاهیم، که در بخش اول دو فصل قرار داده شده است. فصل اول بررسی مفاهیم کلیدی تحقیق، مثل کلمه (احیاء) یا کلمه (اهل بیت) و در فصل دوم این بخش به مصدر شناسی حدیث پرداخته شده است، که در گفتار اول به بررسی سندی و در بخش دوم به بررسی دلالتی پرداخته شده.

بخش دوم در موضوع نقش باور به امامت در زندگی، چه فردی و خانوادگی یا اجتماعی و ظهور محاسن کلام معصومین (علیهم السلام) و

بخش سوم دارای دو فصل می باشد، فصل اول مصادیق احیای امر اهل بیت (علیهم السلام)، که در این فصل چندین گفتار قرار داده شده است، اعم از مصادیق مهم، و مصادیق اصلی و فصل دوم به مصادیقی که باعث وهن و حتی از بین رفتن امر اهل بیت (علیهم السلام) می شود، پرداخته ایم، و در آخر نیز به نتیجه گیری پرداخته شده است.

پرسش های اصلی

مصادیق احیای امر اهل بیت (علیهم السلام) طبق حدیث امام رضا (علیه السلام) چه چیزهایی

می باشد؟

پرسش های فرعی

امر ایشان به چه معناست؟

تأثیر نقش باور به امامت؟

مصادیق احیای امر ایشان چیست؟

مهم ترین مصداق در این مصادیق چیست؟

فرضیه ها

فراگیری علوم و آموزش آن به بقیه مردم، و برپایی مجالس یادبود ائمه (علیهم السلام) و ترویج فرهنگ مهدویت، از مصادیق مورد توجه اهل بیت (علیهم السلام) می باشد.

مقصود امر در کلام ایشان به معنای تثبیت عقاید بر ولایت و امامت معصومین (علیهم السلام) می باشد، که باید با گفتگو و تذاکر باعث تقویت آن شد.

باور به امامت ایشان و عمل به دستوراتشان باعث رشد جامعه چه در بعد فردی و خانوادگی و اجتماعی می شود، و بالتبع باعث آشکار شدن محاسن و زیبایی های کلام ایشان می شود.

فراگیری و آموزش علوم اسلامی و یاد بود مجالس اهل بیت (علیهم السلام) و ترویج انتظار ظهور و فرج و ترویج و تکثیر نسل شیعه، از مصادیق احیای امر می باشد.

مصداق مهم در بین مصادیق مذکور، گفتگو و مذاکره علوم ایشان است که باید باعث تقویت اعتقادات شیعیان و رفع شبهات از ایشان باشد.

ضرورت تحقیق

در احادیث فراوانی، حضرات معصومین (علیهم السلام) شیعیان را امر به احیای امرشان کرده اند، و از طرفی نیز این احادیث در منابع پراکنده می باشد، لذا در این نوشتار ضرورت بر این بود که مجموع این احادیث جمع آوری شود و با بررسی کامل این مجموعه به نتیجه گیری مطلوب دست یافت، تا بتوان به مصادیقی که مورد نظر اهل بیت (علیهم السلام) بود دست یافت و با آن محاسن و زیبایی های کلامشان را آشکار کرد.

پیشینه تحقیق

در این موضوع کتاب یا پایان نامه ای هنوز تدوین نشده است، مگر مقاله ای از آقای علی جواهر دهی که در موضوع «راه کارهای گسترش و منش اهل بیت (علیهم السلام) در بیان امام رضا (علیه السلام) که در این نوشتار، یکی از وظایف امت در قبال امام را، احیای امر امام می داند، که لازمه تحقق این امر را در شناخت جایگاه امامت و روش های احیاء و مفهوم امر، می داند، البته به جهت اختصار در نوشتار به بسیاری از موضوعات و فروع آن پرداخته است، اما مقاله ای دیگر که در این زمینه نوشته شده است، مقاله جناب آقای سید علی دلبری در موضوع «پژوهش سندی و دلالتی حدیث محاسن کلام از امام رضا (علیه السلام) می باشد که ایشان به جهت تبجری که در علم رجال دارند، ابتدا مفصل به بررسی سندی این حدیث و سپس به مفهوم و دلالت حدیث می پردازد، این نوشتار در مقابل نوشتاری که ذکر شد جامع تر می باشد، و مفصل تر به بررسی فروع این موضوع پرداخته است، مخصوصاً بررسی محاسن کلام معصومین (علیهم السلام) و بروزش در حوزه فردی و خانوادگی و اجتماعی، و بیان مصادیقی که ضد احیای امرشان است، که آسیب شناسی هر موضوعی این مهم را می طلبد که آسیب شناسی نیز مورد بررسی قرار بگیرد.

روش تحقیق

در این نوشتار روش کتابخانه ای و میدانی است که از طریق جستجو بین احادیث معصومین (علیهم السلام) صورت گرفته است.

امتیازات تحقیق

شاید بتوان گفت در این زمینه نوشته ای کامل و جامع تدوین نشده است، که تمام احادیث باب را جمع آوری و مورد بحث قرار داده باشد، و به تأثیر گذاری نقش ائمه (علیهم السلام) در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی بپردازد.

فصل دوم: مفاهیم

مبحث اول: واژگان کلیدی تحقیق

برای انجام هر تحقیق علمی در مبادی امر بایستی مفاهیم، واژه‌ها، موضوع تحقیق، مورد بررسی قرار گیرد، تا هم خود محقق به سهولت به غایت تحقیق دست یابد و هم مخاطبان و خوانندگان در مطالعه آن نیازمند رجوع به منبع دیگری نباشند. پس ما نیز گریزی از پیمودن این راه نداریم، بر همین اساس بخش اول تحقیق را به کاوش پیرامون بررسی مفاهیم کلیدی حدیث «أحیاء أمرنا» اختصاص می‌دهیم تا تسلطی نسبی پیرامون آن پیرامون پیدا کرده و در بخش دیگر تحقیق در باب مصادیق آن با دقتی بایسته مطالب را ارائه نماییم.

گفتار اول: مصادیق

مصادیق اسم جمع مصداق می‌باشد، و مصداق نیز اسم آلت «صدق» می‌باشد، یعنی به معنای آلت و وسیله صدق چیزی،^۴ یا چیزی که صدق دیگری از او دریافت می‌شود،^۵ و موافق چیزی،^۶ در عبارت بحث ما همین معنا مورد نظر می‌باشد، گرچه در محاورات عرفی به مصداق، مورد گفت می‌شود، پس عبارت مورد نظر اینطور معنا می‌شود: ما به دنبال آنچه موافق احیای امر اهل بیت می‌باشد، هستیم.

^۴ نفیسی، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی، ج ۳، ص ۹۵

^۵ همان

^۶ همان، ص ۹۶

گفتار دوم: عبد

در اغلب احادیث مورد استناد در بحث مصادیق احیای امر، لفظ «عبد» وجود دارد زیرا حضرات معصومین می فرمایند «رحم الله عبداً أحیا أمرنا» لذا لازم است که قبل از بررسی الفاظ دیگر به بررسی اجمالی لفظ عبد در لغت و قرآن پردازیم.

الف: عبد در لغت

عبد به معنای «مطیع و بنده»^۷ آمده است، واژه ای عربی به معنای تماماً فرمانبردار و تابع است، و کسی که نهایت تذلل همراه با اطاعت را در برابر مولایش به جا آورد. ^۸در "قاموس" نقل شده که برده را در اثر ذلت و انقیادش عبد گویند زیرا معنای تذلل و طاعت در آن ملحوظ است و راهی را که با رفتن هموار شده «طریق المعبد» گویند،^۹ در کتاب "مقایس اللغه" آمده است که «عبد» دو اصل متضاد دارد که یکی به معنای مملوک است که شامل بندگی خداوند و یا بردگی انسان ها می شود، و معنای تذلل و نرمی در آن نهفته است، و از آن جمله طریق المعبد (مسلوک المذلل) و بعیر المعبد است. ^{۱۰} و اصل دیگر آن به معنای قوت و سختی است، برای مثال (هذا ثوب عبده) موقعی به کاربرد می شود، که لباس فراخ و محکمی باشد مؤنث عبد عبده است،^{۱۱} همانطور که مؤنث مملوک مملوک می باشد.^{۱۲}

^۷ قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۷۹

^۸ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۳

^۹ قرشی، علی اکبر، همان، ج ۴، ص ۲۷۹.

^{۱۰} مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۲

^{۱۱} ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، ص ۷۰۲

^{۱۲} همان

بعضی از ادیبان بر این باورند که عبد به معنی انسان است، اعم از حرّ و رقّ. ۱۳

در بعضی از کتب لغت «عبد» با سکون باء، در معنای اسم ذات (حسی) آن به «گیاهی

خوشبو»^{۱۳} که به شتر داده می شود، معنا کرده اند، زیرا شیر او را زیاد و خودش را فربه می کند.

العبد به معنای نیرو، حرص، انکار، منبع، سرعت، بقاء و از آن جمله: بزرگ منشی، غضب،

جنگ شدید، ندامت و پشیمانی، ملامت نفس است، که در اصل این معانی به یکدیگر متصل اند و

بعضی از آنها به دیگری منتهی می شود، همه این معانی با اسم ذات آن، یعنی گیاه خوشبوی عبد

ارتباط دارند. معانی که به دلیل طولانی شدن کلام، بدان پرداخته نمی شود، زیرا این معانی در قرآن

وارد نشده است. ۱۴

ب: مفهوم عبد در قرآن کریم

واژه عبد ۲۷۵ بار در قرآن کریم بکار رفته است، از این میان موارد ۲۲۱ مورد در سوره های

مکی و ۵۴ مورد در سوره های مدنی و به طور کلی در ۵۷ سوره و ۲۵۱ آیه قرآن کریم استعمال شده

است.

از جمله معانی عبد در قرآن می توان به این دو معنا اشاره کرد:

عبد به معنی بنده مملوک مانند: «... الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ...»^{۱۵}

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ...»^{۱۶}

^{۱۳} فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، ج ۲، ص ۴۸۰؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۰.

^{۱۴} عادل سبزواری، محمود، لغت نامه قرآن کریم، ج ۴، ص ۱۰۰

^{۱۵} بقره / ۱۷۸

^{۱۶} نحل / ۷۵